

پندی فهم نشده

مجموعه دربوته نقد - کتاب دوازدهم

• نویسنده: عباس سلیمی نمین



انتشارات ایران

www.ketab.ir

سرشناسه: سلیمی نمین، عباس، ۱۳۳۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: پندی فهم نشده/ نویسنده عباس سلیمی نمین.
 مشخصات نشر: تهران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۴ ص.
 فروست: مجموعه در بوته نقد؛ ۱۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۱۳۱-۵-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: چاپ قبلی: خانه کتاب: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۳۹۲.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: بنی صدر، سیدابوالحسن، ۱۳۱۲-۱۴۰۰.
 موضوع: Banisadr, Sayyid Abolhassan, 1933-2021.
 موضوع: سیاستمداران ایرانی -- سرگذشتنامه
 *Politicians, Iranian -- Biography
 شناسه افزوده: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران
 رده بندی کنگره: DSR1۵۱۵
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۸۵۹۷۰

عنوان: پندی فهم نشده
 مجموعه در بوته نقد - کتاب دوازدهم
 نویسنده: عباس سلیمی نمین
 کتاب نویسنده: پندی فهم نشده
 چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲ • تعداد: ۵۰۰ نسخه
 لیتوگرافی و چاپخانه: مؤسسه مطالعات و تدوین تاریخ ایران
 قیمت: ۹۵,۰۰۰ تومان • تعداد صفحات: ۱۴
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۱۳۱-۵-۱

• آدرس: تهران، خیابان جنت آباد جنوبی.
 چهار باغ شرقی، ۱۶ متری اول شمالی، کوچه
 ریاحی غربی پلاک ۵۵ واحد یک
 • کد پستی: ۱۴۷۳۸۳۶۱۸ • تلفن: ۴۴۶۱۷۶۱۵

• همه حقوق برای نشر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران محفوظ است.



۹	----- دیباچه
۱۳	----- زندگینامه نویسنده اثر

بخش اول | بررسی کتاب ۱۵

۱۷	• دوران کودکی
۲۱	• تمایل به حزب زحمتکشان
۲۵	• جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۲۸	• ازدواج
۳۱	• انشعاب در جبهه ملی سوم
۳۶	• سفر به نجف
۳۹	• جریان نخست‌وزیری شاپور بختیار
۴۱	• ورود به ایران
۴۴	• استعفای بازرگان
۴۷	• انتخابات ریاست‌جمهوری
۵۶	• دانشگاه و انقلاب فرهنگی
۵۸	• ماجرای طبس
۶۳	• هیئت حل اختلاف
۶۷	• تصمیم به فرار
۷۲	• دیدار با نمایندگان منافقین
۷۷	• ملاقات رجوی و طارق عزیز

بخش دوم | نقد و نظر ۷۹

۹۷	----- فهرست اعلام
----	-------------------

سرنوشت سیاسی آقای ابوالحسن بنی صدر، حقیقتاً و بدون کمترین تردیدی، «درس تجربه» ای گرانسنگ و از یاد نرفتنی برای ملت ایران محسوب می‌شود. برخی تحلیلگران، وضعیت ایران را از حیث حضور سیاسی این شخصیت در ایران در مقام اولین رئیس جمهور کشور را به همه دوران حضورش در صحنه مبارزات سیاسی ملت ایران تعمیم می‌دهند و کارباز جدی روند زندگی وی را بر خود آسان می‌سازند. به عنوان پدیده‌ای تجربه شده این رویکرد نمی‌تواند در بردارنده توشه تاریخی ارزشمندی برای ملت ایران باشد؛ زیرا این‌گونه «سهل‌سازی‌ها» در عرصه تاریخ پژوهی از ابتدا مُهری بر کارنامه فرد مورد نظر می‌زند که شاید بتوان آن را صرفاً شایسته مقطع سقوط وی دانست. تا آن جا که تحقیقات مشخص می‌سازد آقای بنی صدر تا قبل از دستیابی به جایگاه ریاست جمهوری، ضمن رنج بردن از برخی ضعف‌های شخصیتی دارای اعوجاجاتی در اندیشه سیاسی‌اش بود، اما همان‌گونه که خود در این کتاب به آن اذعان دارد چون رویکرد وی در فعالیت‌های سیاسی صرفاً نیل به قدرت و نه خدمت است، به سرعت در مسیر داد و ستدها و پیوند خوردن‌های ناسالم

سیاسی قرار گرفت. تا آن جا که اسناد روایت می کند در قبل از انقلاب نمی توان نقطه تاریکی در کارنامه این چهره سیاسی یافت. براساس اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا، تنها سرمایه گذاری هدفمند در مورد آقای بنی صدر، تلاش شرکتی پوششی «سیا» برای نزدیک شدن به وی در فرانسه همزمان با اوج گیری نهضت مردم ایران بوده است تا مبنی بر قراردادی در ازای دریافت مشاوره های اقتصادی ماهانه یک هزار دلار پرداخت شود، اما به دلیل سرعت تحولات و بازگشت این چهره سیاسی به کشور در «پرواز انقلاب» هرگز این قرارداد اجرایی نمی شود و آقای بنی صدر وجهی دریافت نمی دارد، ضمن این که ماهیت این کمپانی بر وی روشن نبوده است. اما چه عاملی موجب می شود که ابتدا وابستگی به صدام را از طریق مجاهدین خلق پذیرا می شود و به تدریج در این چاه ویل بر همه ارزش ها پشت پا می زند و برای باقی ماندن در قدرت، دروادی هر نوع سرسپردگی درمی آید؟ در این کتاب آقای بنی صدر خود به مخاطبش برای ریشه یابی این انحراف کمک می کند. «احمد احمدی - گفته شده که شما چون می خواستید رئیس جمهور بشوید، اختیارات زیادی را در آن پیش نویس (قانون اساسی) برای رئیس جمهور قائل شدند؟ بنی صدر... اصلاً من در آن موقع چنین فکری نداشتم. اگرچه در دوران جوانی، این چنین گفته بودم، اما وقتی به ایران برگشتم اصلاً آن چه به ذهنم نمی آمد، این بود». (صص ۱۵۰-۱۴۹) آقای بنی صدر در این بخش از گفت و گوی خود می پذیرد که از ابتدای ورود به عرصه فعالیت های سیاسی در جوانی هدفش صرفاً دستیابی به بالاترین سطح قدرت رسمی در کشور بوده است. افراد با چنین انگیزه ای از فعالیت اجتماعی و سیاسی زمانی که به قدرت می رسند با توسل به هر ابزار نامشروعی سعی در حفظ موقعیت دست یافته به آن می کنند. در صورتی که با رویکرد خدمت، انسان ها در هر موقعیتی بدون توجه به این امر که دارای جایگاه رسمی هستند یا خیر به وظیفه خود عمل می نمایند؛ زیرا اصل قرار داشتن در مسیر خدمت است. البته قدرت به عنوان یک ابزار و وسیله می تواند در افزایش سطح خدمت گذاری تاثیر مستقیمی ایفا کند. در این نگاه قدرت غیرمشروع نمی تواند منشأ خدمت باشد همچنین قدرتی که با شیوه های

غیرمشروع کسب و به همین روش حفظ شده صاحبان آن را به سرعت از عرصه خدمت دور می سازد و به پرتگاه نفسانیات و منیت ها می کشاند. متأسفانه آقای بنی صدر در شرایطی که قریب به اتفاق جامعه ایثارگرانه و با گذشتن از جان و مال خویش در مسیر کسب استقلال گام برمی داشتند با هدف گذاری خاصی به انجام مانورهای زیرکانه سیاسی می پرداخت و تمامی اهتمامش معطوف دستیابی به جایگاه مورد نظر بود. وی که زمانی مجاهدین خلق را دارای نظام فکری چپ استالینیستی می دانست در جایگاه ریاست جمهوری این سازمان مخفی را ابزار مناسبی برای بسط قدرت خود پنداشت. صدام را که به کرات دشمن متجاوز به میهن خوانده بود برای بازگشت به جایگاه آرزوهای دیرینه اش به سروری گرفت و در نهایت به امید کاندیدای ریاست جمهوری بیگانگان شدن برای آینده ای مجهول به خدمت غرب سرمایه داری درآمد که علیه مظالم ضدبشری آن سخن ها گفته بود.

سرنوشت آقای ابوالحسن بنی صدر از این رو در تاریخ مبارزات ملت ایران بسیار درس آموز و حائز اهمیت است که نمونه روشن و معاصر از پایان غیر عزتمندانه یک نگاه خاص به قدرت به حساب می آید. اولین رئیس جمهور ایران با ادعاهایی فراموش ناشدنی در مورد کمالات خود بعد از فرار از ایران اجازه می دهد در اقامتگاهش در پاریس طرفداران وزیر خارجه صدام با نخست وزیر خود خوانده اش (یعنی داماد و سرکرده مجاهدین خلق) ملاقات کند (ص ۳۸۰) و این ارتباط با دشمن متجاوز تا جایی پیش می رود که جوانان به دنبال سراب به عراق گسیل داشته می شوند و در کنار نیروهای بعثی علاوه بر قتل عام کردها و شیعیان عراق به کشتار مدافعان پاک باخته میهن می پردازند. با وجود همه این پاپس نهادن های سیاسی و لگدمال کردن عزت ملی، پس از مدت کوتاهی مجاهدین، آقای بنی صدر را از تشکیلات می رانند و از ریاست جمهوری خود خوانده در خارج کشور کنار می گذارند. عجز و لایه مکتوب وی در این زمینه که با کدام گناه از ائتلاف بغداد اخراجش کرده اند، درس تجربه ای به یاد ماندنی است: «به هر حال، آن وقت [۲۰ اسفند ۱۳۶۲]

آقای رجوی نامه‌ای به من نوشت در ۱۴ صفحه و به قول خودش، پایان داد به این همکاری. مقاله‌ایست در نشریه انقلاب اسلامی [به تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۶۲] من هیچ اطلاعی از آن مقاله نداشتم. در آن وقت، روزنامه انقلاب اسلامی ربطی به من نداشت. اگر چه می‌نویسند که در مسئولیت من است ولی در آن وقت که من با آن آقایان بودم، در مسئولیت من نبود. در یک روزنامه‌ای که در مسئولیت من نیست، یک مقاله‌ای نوشته شده است تحت عنوان «دروغ‌های طارق عزیز» و این را مجوز کردند برای پایان دادن به همکاری با من. این هم میزان رعایت آزادی است از دید این آقایان که: گنه کرد در بلخ آهنگری/ به شوستر زدند گردن مسگری. (صص ۳۸۳-۳۸۲)

چرا آقای بنی صدر حتی بعد از قطع ارتباط حاضر نیست از محتوای این مقاله دفاع کند و همچنان انتقادی جزئی از سردمداران بغداد را گناه عنوان می‌دارد؟ پاسخ این سؤال را می‌بایست در حمایت تمام عیار غرب از صدام در آن ایام جست. این میزان از خودبیگانه شدن برای کسب قدرت صرفاً در چارچوب یک نگاه خاص قابل تفسیر است. خاطرات آقای بنی صدر به کوشش آقای حمید احمدی تدوین و در دو جلد توسط انتشارات انقلاب اسلامی آبان ۱۳۸۰ در آلمان به چاپ می‌رسد.

ابوالحسن بنی صدر در سال ۱۳۱۲ در یکی از روستاهای تابعه شهر همدان به دنیا آمد و دوران طفولیت را تا اخذ دیپلم متوسطه در این شهر سپری ساخت. وی به دلیل نمره صفر گرفتن در زبان خارجه نتوانست در کنکور دانشکده حقوق دانشگاه تهران توفیق یابد، لذا ناگزیر به تحصیل در دانشکده معقول و منقول شد. در دوران دانشجویی ابتدا به حزب زحمتکشان مظهر بقایی تمایل یافت، اما در جریان کودتای ۲۸ مرداد جذب جبهه ملی گشت. ابوالحسن بنی صدر پس از اخذ لیسانس کار خود را در مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی احسان نراقی آغاز کرد.

در این ایام با دختر همسایه دوران نوجوانی اش در همدان ازدواج نمود. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت دوبار بازداشت شد و مدت کوتاهی را در زندان سپری ساخت. ابوالحسن بنی صدر بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و منحل شدن جبهه ملی دوم، به فرانسه رفت و در آنجا به اتفاق چند تن فعالیتهای خود را تحت عنوان جبهه ملی سوم پی گرفت، اما طولی نکشید که اختلافات شدیدی با کنفدراسیون دانشجویان خارج کشور پیدا کردند و بر اثر بروز این درگیری‌ها ابتدا جبهه ملی سوم و در پی آن کنفدراسیون متلاشی شد. در سالهای اولیه دهه پنجاه آقای بنی صدر که سالها از فعالیتهای سیاسی دور افتاده بود و در فرانسه زندگی می‌کرد و بعضاً به اتفاق آقای دکتر نقی‌زاده

در انگلیس گاهنامه «خبرنامه جبهه ملی» را منتشر می ساخت به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا نزدیک شد. با نزدیک شدن به یک تشکل اسلامی دانشجویی دور تازه ای در حیات سیاسی بنی صدر آغاز شد و همین امر موجب نزدیکی وی به امام خمینی به ویژه در دوران اقامت ایشان در پاریس گشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آقای بنی صدر به عضویت شورای انقلاب درآمد و از پذیرش هر مسئولیت اجرایی سرباز می زد. حتی بعد از ادغام شورای انقلاب با دولت موقت ابتدا معاونت وزارت اقتصاد و دارایی را پذیرفت، اما به فاصله اندکی تغییر نظر داد و از حضور در این پست سرباز زد. وی در جریان انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی از تهران به این مجلس راه یافت. بعد از استعفای دولت موقت بنی صدر مدت کوتاهی سرپرستی وزارت خارجه و اقتصاد و دارایی را به عهده گرفت و زمینه را برای تحقق آرزوی دیرینه خود یعنی شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی در آن را فراهم ساخت. تأسیس دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور وی را به برخی گروه های سیاسی نزدیک ساخت تا بدین طریق اکثریت را در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به دست آورد، اما علی رغم تلاش های گسترده لیست های انتخاباتی دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور توفیق چندانی در انتخابات مجلس نیافت. همین شکست نیز موجبات نزدیکی وی به سازمان مجاهدین خلق را فراهم ساخت این سازمان از برخی خصوصیات آقای بنی صدر استفاده کرد و وی را بتدریج در برابر رهبری انقلاب قرار داد. همکاری آشکار با این گروه رأی عدم کفایت سیاسی مجلس به رئیس جمهور را به دنبال داشت. خلع شدن رئیس جمهوری بهانه شورش مسلحانه سازمان مجاهدین خلق و ترورهای گسترده شد، اما با مایوس شدن بنی صدر از نتیجه بخشی شورش های خیابانی و اقدامات تروریستی مسعود رجوی به انتقال از کشور گریختند. بنی صدر هم اکنون بعد از کنار گذاشته شدن از شورای ملی مقاومت توسط مسعود رجوی، ومطلقه شدن دخترش فیروزه، در پاریس زندگی و یکبار دیگر شرائط دوران دهه چهل را تجربه می کند.